نقد اندیشهٔ رجالی
ارسال روایات بی واسطهٔ حَریز از امام صادق (ع)

مصطفی همدانی[۱]

چکیده

حریـز بـن عبداللـه سجسـتانی در سـند ۱۳۲۰ روایـت حضـور دارد و طبق ظاهر جوامـع روایـی، حـدود ۲۰۰ روایـت از این تعـداد که بیشـتر آنها مصـدر فتاوای فقهـی اسـت را بـی واسـطه از امـام صـادق (ع) نقل کـرده اسـت. در همین حال کشـی و نجاشـی از یونـس بـن عبدالرحمـن روایـت کرده‌انـد کـه حریـز جز یک یـا دو روایـت از امـام صـادق (ع) نشـنیده اسـت. این گزارش سـبب شـده اسـت برخـی فقیهـان نامـدار و بسـیاری از رجالیـان متأخـر از ظهور روایات بی واسـطهٔ ایشـان در نقل مسـتقیم دسـت بدارند و حکم به ارسـال این روایات کنند. تحقیق فـرارو بـا هـدف تبییـن وضعیـت ارسال یـا اتصـال در این قطعـه از سـند روایات یـاد شـده از روش اسـنادی و تحلیـل اسـتقرائی بهـره بـرده و نتیجـه گرفتـه اسـت سـخن یونس درسـت نیسـت؛ زیرا اولاً، سـند روایت کشـی و نجاشـی مخدوش اسـت؛ و ثانیـاً، قرائنـی در روش حریـز در نقل روایـات پیش گفته وجـود دارد که بـه وضوح نشـان می دهد ایشـان دسـت کم هجـده روایـت را شـخصاً و با روش «سـماع» یعنـی نقـل بی واسـطه از امـام صادق (ع) متحمل شـده اسـت و از این رو حصـر موجـود در گـزارش کشـی و نجاشـی بـی اعتبـار مـی شـود و در نتیجه نمی‌توانـد بـا ظهـور روایات بـی واسـطه در نقل مسـتقیم معارضـه کند.

کلیدواژه‌ها

حریـز، یونـس، روایـت مرسـل، روایـات بـی واسـطهٔ حریـز از امام صـادق (ع)، روش تحمـل حدیـث.

---

۱. دانش آموخته خارج فقه و فلسفه حوزه علمیه قم. ma13577ma@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۳

۱. طرح مسأله

حدیث دارای جایگاه والایی در استنباط آموزه های دینی است؛ زیرا یکی از ادلهٔ اربعه، سنت یعنی قول یا فعل یا تقریر معصوم (ع) است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۹-۱۰؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۱: ۴۷) که الفاظ حکایت کننده از آن را «حدیث» می نامند (مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۵۲). از طرف دیگر، هر حدیثی دلیل معتبری نیست و همانطور که در مبانی نظری تحقیق بیان خواهد شد، از جمله احادیث نامعتبر، حدیث مرسَل است. اما ضمن پذیرش این اصل اولی، نباید غفلت نمود که حکم فراگیر عدم حجیت در مورد همهٔ روایات مرسل، به معنای کنار نهادن حجم گسترده ای از میراث حدیثی و در نتیجه تحمل خلاءهای علمی فراوانی در مسیر استنباط آموزه های دینی اعم از فقهی و غیر فقهی است و ظاهراً هیچ رجالی و فقیهی تسلیم حکم مطلق به ارسال همهٔ این روایات نشده و بلکه هرگونه تلاش برای ترمیم سند این روایات را فروگذار نکرده‌اند.

تلاش های صورت گرفته در تصحیح سند روایات مرسل در دو دسته قابل تقسیم بندی است:

۱. دسته ای سعی دارند روایاتی که دارای سند هستند اما به اشتباه مرسل انگاشته شده‌اند، سندیابی و ترمیم سند شوند؛ مانند تلاش های مرحوم اردبیلی در «جامع الرواة» در تعیین اسناد برخی روایات مرسل از طریق طبقه شناسی (سبحانی، ۱۳۹۴ش، ۱۳۰). و یا تلاش بیشتر اهل رجال و درایة الحدیث جهت تعیین «عده» در تعبیر «عدة من اصحابنا»[1] در کتاب شریف کافی جهت رفع مشکل ارسال از آن ها (نک به: صاحب معالم، ۱۳۶۲ش، ۱: ۵۴ - ۵۳؛ نوری، ۱۴۱۷ق، ۳: ۵۱۱ - ۵۱۰).

۲. دستهٔ دیگر تلاش هایی است که با پذیرش ارسال برخی احادیث، سعی می‌کنند اثبات کنند مرسل بودن آنها را از اعتبار ساقط نمی کند؛ مانند رأی شیخ طوسی در حکم به اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و محمد بن ابی نصر (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۵۴) و تبعیت تعدادی از فقیهان و رجالیان از ایشان (نک به: حلی، ۱۴۲۵ق، ۳: ۴۶۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴۹؛ سبزواری، ۱۴۲۷ق، ۲: ۵۱۴؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ۳۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۰، ۲۳۱؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۲: ۵۱۸)؛ و نیز تصحیح مراسیل صدوق توسط بسیاری از رجالیان

۱. این گونه تعابیر، روایت را مرسل می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۳۲ق، ۱: ۱۹۶؛ مامقانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۲۵۴).

و فقیهـان (نـک بـه: عاملـی، ۱۴۱۱ق، ۵: ۱۳۳؛ بحرالعلـوم، ۱۴۰۵ق، ۳: ۳۰۰؛ شـیخ بهایـی، ۱۴۲۴ق، ۳۵؛ میردامـاد، ۱۳۱۱ق، ۱۷۴؛ بهبهانـی، ۱۴۱۹ق، الرسـائل الفقهیـة، ۲۶۱؛ نـوری، ۱۴۱۷ق، ۴: ۶).

یکـی از راویانـی کـه مجموعـه ای قابـل توجـه از روایـات او بـا مشـکل ارسـال مواجـه شـده اسـت، حریـز بـن عبداللـه سجسـتانی اسـت. او از راویـان پرحدیـث شـیعه اسـت کـه در سـندی انبوهـی از روایـات (حـدود هـزار روایـت) حضـور دارد؛ و از طـرف دیگـر تعـداد زیـادی از ایـن روایـات (حـدود دویسـت روایـت) را بـی واسـطهٔ راویـان دیگـر از امـام صـادق (ع) نقـل کـرده اسـت. دو تـن از پیشـوایان دانـش رجـال یعنـی مرحـوم کشـی و جنـاب نجاشـی نوشـته انـد ایشـان جـز یـک یـا دو روایـت از امـام صـادق (ع) نشـنیده اسـت و معلـوم هـم نکردهانـد آن دو روایـت کـدام اسـت. نتیجـهٔ ایـن گـزارش رجالـی ایـن اسـت کـه همـهٔ روایـات بـی واسـطهٔ وی از امـام صـادق (ع) محکـوم بـه ارسـال شـده و از اعتبـار سـاقط میشـوند؛ زیـرا همانطـور کـه گفتـه خواهـد شـد حدیـث مرسـل فاقـد اعتبـار اسـت و از طـرف دیگـر، هیـچ کـدام از رجالیـان نیـز مرسـلات او را چـون صفـوان و بزنطـی و ابـن ابـی عمیـر در حکـم مسـند ندانسـته انـد و تنهـا مرحـوم میردامـاد سـعی کـرده اسـت راهـی را در پیـش گیـرد کـه اثبـات خواهـد کنـد حریـز دارای ایـن ظرفیـت یعنـی هـم طـرازی بـا امثـال صفـوان و ابـن ابـی عمیـر را دارد و البتـه در پژوهـهٔ فـرارو ایـن تـلاش نقـل و نقـد خواهـد شـد. در هـر صـورت، ایـن نتیجـهٔ رایـج، خسـارت بزرگـی بـرای علـم حدیـث و دانـش هـای تغذیـه کننـده از آن خصوصاً علـم فقـه اسـت؛ زیـرا بسـیاری از روایـات یادشـده فقهـی هسـتند. برخـی از رجالیـان سـعی کردهانـد گـزارش کشـی و نجاشـی را نقـادی کننـد و بسـیاری نیـز آن را قبـول کردهانـد؛ همانطـور کـه برخـی فقیهـان نیـز بـه لـوازم ایـن پذیـرش گـزارش یعنـی ارسـال و در نتیجـه بـی اعتبـار بـودن روایـات مذکـور ملتـزم گشـته انـد.

پژوهـش فـرارو بـا هـدف بررسـی وضعیـت ایـن قطعـهٔ خـاص از سـند روایـات بـی واسـطهٔ حریـز از امـام صـادق (ع) یعنـی از حریـز بـه امـام (ع) سـامان یافتـه و سـوال آن چنیـن اسـت: آیـا روایـات بـی واسـطهٔ حریـز از امـام صـادق (ع)، بـه جهـت فقـدان واسـطه مرسـل هسـتند؟ از آنجـا کـه حکـم بـه ارسـال ایـن روایـات ناشـی از گـزارش کشـی و (بـه تبـع وی نجاشـی) از یونـس اسـت، سـوال مذکـور بـه ایـن شـکل بازآفرینـی مـی شـود: آیـا گـزارش کشـی و نجاشـی از یونـس کـه حریـز جـز یـک یـا دو

روایت از امام صادق (ع) نشنیده درست است؟ بسامد بالای روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) در جوامع روایی موجود، این حدس خام اولیه را به عنوان فرضیّهٔ تحقیق تقویت می کند که: گزارش یونس درست نیست. پژوهۀ فرارو ضمن نقل و نقد تلاش های فقیهان و رجالیان در تایید یا رد گزارش کشی و نجاشی، این فرضیه را با فحص کامل در روش حریز در تحمل احادیث بی واسطه از امام صادق (ع) به بوتهٔ بحث نشانده است.

به جهت تناسب روش با هدف و پرسش تحقیق، پژوهۀ فرارو از تلفیق روش استقرائی به معنای سیر از جزئی به سوی کلی به منظور کشف قانون کلی (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۵۷ ـ ۵۵۸؛ دلاور، ۱۳۹۲ش، ۳۴) و روش اسنادی که مبتنی بر مطالعه کتب و اسناد و نرم‌افزارهای حاوی متون علمی است (حافظ نیا، ۱۳۸۶ش، ۱۶۴ – ۱۷۲) استفاده کرده و استخراج «گونه‌های نقل» روایات بی واسطه از امام صادق (ع) توسط حریز به عنوان جزئیات، را مورد توجه قرار داده تا «روش تحمل» وی که پاسخگوی پرسش تحقیق است، کشف شود.

طبق تتبع نگارنده تا کنون پژوهش ویژه ای دربارهٔ مشکل ارسال روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع)، انجام نگرفته است جز پژوهش های کوتاه فقیهان و رجالیان پیشین که سعی کرده‌اند سخن مرحوم کشی و جناب نجاشی را رد یا تایید کنند و نیز دو مقاله در نوشتارهای معاصران که هیچ کدام به شکل مستقل و مستقیم در پی پاسخ به این پرسش نبوده اند بلکه هر دو در ضمن مباحث خود دربارهٔ حریز به صورت کوتاه به این بحث هم اشاره و یکی ارسال را قبول و دیگری رد کرده است (نک به: رحمتی، ۱۳۹۳ش؛ بیات مختاری، ۱۳۹۰ش، ۷۳ ـ ۷۱). ادلهٔ ایشان در رد و تایید ارسال را در بحث اختصاصی نقد اندیشه های موافق و مخالف بر می رسیم.

۲. مبانی نظری تحقیق

این پژوهه بر دو مبنای نظری مهم مبتنی است:

أ. عدم حجیّت روایات مرسل: روایت یا حدیث عبارت است از سخن یا رفتار یا تقریر معصوم (شیخ بهایی، ۱۳۹۰ش، ۴؛ مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۵۳).

روایـت را در تقسـیمی بـه مسـند و مرسَـل تقسـیم می‌کننـد. روایـت مرسـل عبـارت اسـت از حدیثـی کـه فـردی معصـوم ندیـده بـدون واسـطه (بـا حـذف یـک یـا چنـد واسـطه) از معصـوم نقـل کنـد (شـهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴۸) و بـه بیـان سـاده تـر، در سلسـلهٔ راویـان آن انقطاعـی رخ داده باشـد (شـیخ بهایـی، ۱۳۹۰ش، ۴؛ مامقانـی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۲۵۴) از نظـر اصولیـان و دانشـیان فقـه و درایـة الحدیـث، حدیـث مرسَـل حجیـت نیسـت (حلـی، ۱۴۲۵ق، ۳: ۴۶۱؛ قمـی، ۱۴۳۰ق، ۲: ۵۱۸؛ انصـاری، ۱۴۱۶ق، ۲: ۸۰۲؛ شـهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴۹؛ شـهید ثانـی، ۱۴۰۲ق، ۱: ۳۷۲؛ اردبیلـی، ۱۴۰۳ق، مجمـع الفائـدة و البرهـان، ۱: ۱۲۷، ۱۴۴؛ ۳: ۱۳۹؛ مامقانـی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۲۵۸).

ب. امـکان تحمـل حدیـث از معصـوم (ع): بحـث از روش‌هـای تحمـل حدیـث شـاگرد از اسـتاد، بخـش قابـل توجهـی از متـون دانـش درایـة الحدیـث را بـه خـود اختصـاص داده و عبـارت اسـت از شـیوه هـای انتقـال حدیـث در سلسـلهٔ راویـان از یکـی بـه دیگـری و بـه تعبیـر دانشـیان درایـة الحدیـث از شـیخ بـه شـاگرد کـه در ایـن علـم از انـواع آن ماننـد: سـماع، عـرض، اجـازه، مناولـه و ... بحـث می‌کننـد (نـک بـه: شـهید ثانـی، ۱۴۳۲ق، ۱: ۲۵۹ - ۲۳۳؛ مامقانـی، ۱۳۹۳ش، ۲: ۲۵۴ - ۱۸۲؛ سـنیکی، ۱۴۲۲ق، ۱؛ ۳۵۹؛ ابـن الصـلاح، ۱۴۰۶ق، ۱۸۰ - ۱۳۲).

امـکان تحمـل حدیـث توسـط راوی از معصـوم (ع)، رویکـرد نویـن و مـورد توجـه ایـن نوشـتار اسـت کـه طبـق تتبـع نگارنـده، جـز اشـاره ای کوتـاه در یـک مـورد، تـا کنـون بحثـی در تبییـن و تحلیـل ایـن الگـو در علـوم رجـال، فقـه و درایـة الحدیـث صـورت نگرفتـه اسـت و گویـا تحلیـل ایـن مقولـه، کارکـردی در فرایندهـا و برایندهـای پژوهشـی پیشـینیان نداشـته و لـذا تحمـل حدیـث و گونه‌هـای آن بـر محـور دریافـت حدیـث توسـط «شـاگرد» از «شـیخ» شـکل گرفتـه اسـت نـه «راوی» از «معصـوم» (نـک بـه: شـهید ثانـی، ۱۴۳۲ق، ۱: ۲۳۴؛ مامقانـی، ۱۳۹۳ش، ۲: ۱۸۲ و ۱۹۲ و ۲۲۱؛ ابـن الصـلاح، ۱۴۰۶ق، ۱۳۲). ظاهـراً روش تحمـل حدیـث از معصـوم (ع)، از اغلـب یـا همـهٔ گونه‌هـای موجـود در روش تحمـل حدیـث شـاگرد از شـیخ اسـتفاده مـی کنـد.[1]

۱. محقـق کتـاب «مقباس‌الهدایـة» (نـوهٔ مرحـوم مامقانـی) معتقد اسـت اغلب یا همـهٔ گونه‌هـای تحمل حدیث از راویـان، شـامل تحمـل حدیث از معصوم نیز هسـت (مامقانـی، ۱۳۹۳ش، ۲: ۱۸۲).

۳. معرفی حریز بن عبدالله سجستانی

حریـز بـا «حـاء» مفتوحـه (حلـی، ۱۴۱۱ق، ۱۶۵) نـام مختصـر یکـی از اصحـاب مشـهور امـام صـادق (ع) یعنـی حریـز بـن عبـد اللـه سجسـتاني ملقـب بـه أبومحمـد الأزدي از اهالی کوفـه اسـت کـه بـه جهـت سـفرهای تجـاری زیـاد در خریـد و فـروش روغـن بـه سجسـتان[1]، بـه سجسـتانی معـروف شـده اسـت (نجاشـی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۴). او و اصحابـش همگـی بـه جهـت درگیـری بـا خـوارج در مسـجدی در سجسـتان کشـته شـدند (مفیـد، ۱۴۱۳ق، ۲۰۷).

حریــز تالیفــات روایــی زیــادی دارد و مرحــوم شــیخ، آثــار روایــی او را همگــی از «اصــول» شــمرده (طوســی، ۱۴۲۰ق، ۱۶۲) و جنــاب میردامــاد تصریــح کــرده اســت مقصــود شــیخ از تعبیــر «اصــول» در مــورد حریــز، همــان داخــل بــودن آثــار ایشــان در «اصــول اربعمــأة» اســت (میردامــاد، ۱۳۱۱ق، ۹۹). ایــن اصــول چهارصدگانــه، جایــگاه والایــی دارنــد و همــواره مــورد اعتمــاد اصحــاب بــوده انــد.[2] همچنیــن طبــق برخــی روایــات، «کتــاب الصلــوة» حریــز نــه فقــط اعتمــاد همــهٔ عالمــان و محدثــان شــیعی متقــدم را جلــب کــرده (صــدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳؛ فیـض کاشــانی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۳) بلکــه پیــش از آنــان در زمــان اصحــاب امــام صــادق (ع) نیــز مرجــع اســتفادهٔ شــیعیان بــوده (نــک بــه: کلینــی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۱۱) و ظاهــراً امــام صــادق (ع) نیــز عمــل بــه آن را امضــا فرمــوده اســت (طوســی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۴۲؛ مجلســی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۴).

شــیخ طوســی حریــز را مــورد وثــوق می‌دانــد (طوســی، ۱۴۲۰ق، ۱۶۲)؛ امــا در کتــاب هــای کشــی و نجاشــی توثیــق صریحــی در مــورد ایشــان وجــود نــدارد؛ بلکــه آنــان جریــان حجــب (راه نــدادن حریــز بــه ملاقــات خــود توســط امــام صــادق (ع)) کــه ضمنــاً بــر تضعیــف او دلالــت دارد را روایــت کرده‌انــد (کشــی، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۸۰؛

---

۱. نـام «سیسـتان» در اصـل «سگسـتان» بوده اسـت و لذا]بـه علت فقدان گاف[در زبان عربی سجسـتان نوشـته می‌شـود (ابـن بلخـی، ۱۳۷۳ش، ۱۸۴). سگسـتان نیـز ریشـه در سکسـتان دارد که در فارسـی میانـه «کاف» آن بـه «گاف» تغییـر کـرده اسـت. در زمـان پارتیـان، قومـی نیرومنـد و دلیـر بـه نـام «سـکاها» در این اقلیـم زندگی کرده‌انـد و بـه همیـن جهت آن را سکسـتان نـام نهاده‌انـد (کلیفـورد ادمونـد، ۱۳۷۰ش، ۱۱۴).

۲. برخـی معتقدنـد روایـات مـورد اعتمـاد و صحیـح، منحصـر در این اصول اسـت (شـهید ثانـی، ۱۴۲۴ق، ۱: ۱۶۳؛ حـر عاملـی، ۱۴۰۳ق، ۱۰). ایـن اصـول، مـورد اعتمـاد و اسـتفادهٔ همـهٔ اصحـاب در طول چندیـن قرن تا زمـان مولفـان کتـب اربعه بـوده (نک بـه: صـدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳؛ حر عاملـی، ۱۴۰۹ق، ۳۰: ۱۹۹) و بسـیاری از آنهـا تـا زمـان ابن‌ادریـس نیـز در دسـترس و مـورد اسـتفاده بوده‌اند (نـک بـه: ابن‌ادریـس، ۱۴۱۰ق، ۳: ۵۸۹) امـا بـه علـت رواج کتـب اربعـه به تدریج منسـوخ شـده‌اند.

نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۵) اما بسیاری از رجالیان معتقدند این جریان دلیل بر طعن و ضعف حریز نیست (نک به: علامهٔ حلی، ۱۳۸۱ش، ۶۳؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۳۵۰ - ۳۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۸۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، جامع الرواة، ۱: ۱۸۷؛ صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۸۳ش، ۲: ۱۶۶؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ۱۷۲؛ نوری، ۱۴۱۷ق، ۴: ۲۳۵؛ مامقانی، ۱۴۲۷ق، ۱۸: ۲۰۶) بلکه حریز از بزرگان اصحاب است تا آنجا که مرحوم مجلسی اول معتقد است همهٔ امامیه روایات او را صحیح دانسته اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۸۸)[1].

در مجموع، ۱۳۲۰ حدیث از حریز در جوامع روایی شیعه ثبت شده (خویی، ۱۳۷۳ش، ۵: ۲۳۴ - ۲۳۵) و ایشان ۲۱۵ روایت از این مجموعه را بی واسطه از امام صادق (ع) نقل کرده است (خویی، ۱۳۷۳ش، ۵: ۲۳۲)[2] که این تعداد روایت بی واسطه، موضوع گزارش کشی و به تبع وی نجاشی است که در بحث بعد ارائه خواهد شد.

۴. گزارش کشی و نجاشی دربارهٔ روایات حَریز از امام صادق (ع)

مرحوم کشی با سند متصل از یونس بن عبدالرحمن روایت کرده است که حریز جز یک یا دو روایت از امام صادق (ع) نشنیده است: «مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ: لَمْ يَسْمَعْ حَرِيزُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَّا حَدِيثاً أَوْ حَدِيثَيْنِ» (کشی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۶۸۰). نجاشی نیز این مطلب را به یونس نسبت داده است بدون اینکه سندی برای این انتساب ارائه کند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۴). ظاهراً مستند نجاشی نیز همان روایت کشی است (استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۴۹).

---

۱. از نظر نگارنده نیز در مسئله‌ی حجب، حق با ایشان است؛ زیرا «حجب» فی‌نفسه عامل جرح نیست و هیچ دلالت ذاتی بر جرح راوی ندارد مگر اینکه راه ندادن به جهت فسق راوی باشد و اینجا به علت اینکه ائمه (ع) در موارد عدیده برای حفظ جان اصحاب یا حفظ موقعیت امامت و پاسداری از کیان شیعه آنها را از خود طرد کرده‌اند، این عدم دلالت تقویت می‌شود. خصوصاً اینکه جریان قتل خوارج سیستان توسط نیروهای تحت امر حریز در زمان امام صادق (ع) رخ داده و در نتیجه گمانه‌زنی‌های یادشده تقویت می‌شوند.

۲. گرچه مقالهٔ حاضر، نیازی به تعیین دقیق این عدد ندارد؛ اما شمارش مرحوم خویی باید مورد بازبینی قرار گیرد؛ زیرا ایشان درست در چند صفحه بعد، تعداد روایات بی‌واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) را ۱۹۰ مورد ذکر کرده است! (خویی، ۱۳۷۳ش، ۵: ۲۳۵).

۵. پیامدهای گزارش کشی و نجاشی

طبق گزارش این دو کتاب اصلی علم رجال، اولاً، همهٔ روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) که در اواخر بحث قبل از آنها یاد شد، محکوم به ارسال شده و در طبق بیانی که در حکم حدیث مرسل در مقدمه گفته شد بی اعتبار خواهند شد؛ و ثانیاً، حریز نیز متهم به ارسال خفی خواهد شد. ارسال خفی به عنوان نوعی تدلیس عبارت است از روایت کردن از کسی هم عصر[1] با عنوان «عن فلان» و یا «قال فلان» که إشعار به در دیدار با آن شخص و شنیدن از وی دارد در حالی که راوی واقعاً حدیث را از ایشان نشنیده باشد بلکه از دیگری شنیده که آن دیگری از این شخص مروی عنه شنیده است (حسین بن عبدالصمد، ۱۴۳۲ق، ۱: ۴۱۴؛ مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۲۷۴ و ۲۸۱؛ سنیکی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۲۸؛ صنعانی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۳۱۸). به علاوه دو روایت وجود دارد که مجموعاً از این روش نقل سخن نهی نموده‌اند. روایت اول امر به إسناد سخن به همان فردی که سخن از او شنیده شده می کند و روایت دوم، حذف واسطه در نقل سخن شنیده شده و انتساب مستقیم آن به گویندهٔ اصلی را به صراحت دروغ معرفی فرموده است. روایت دوم از این دو حدیث، مرفوعه است، اما روایت اول دارای سند مقبولی است و لذا مضمون روایت دوم با سند روایت اول قابل تقویت است:

أ: «عَنْ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ (ع) إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقّاً فَلَكُمْ وَ إِنْ كَانَ كَذِباً فَعَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۲).

ب: «عَنْ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِيَّاكُمْ وَ الْكَذِبَ الْمُفْتَرَعَ قِيلَ لَهُ وَ مَا الْكَذِبُ الْمُفْتَرَعُ قَالَ أَنْ يُحَدِّثَكَ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ فَتَتْرُكَهُ وَ تَرْوِيَهُ عَنِ الَّذِي حَدَّثَكَ عَنْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۲).

۶. تبیین و نقد اندیشه های موافق و مخالف ارسال روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع)

فقیهان و رجالیان متاخر و برخی محققان معاصر در برابر این گزارش کشی و

[1] ۱. اگر کسی از غیر از هم‌عصر خود روایت کند، نقل او را «مرسل» [به معنای متعارف نه ارسال خفی] می‌نامند و هیچ عالمی آن را تدلیس ننامیده است (سخاوی، ۱۴۲۴ق، ۱: ۲۲۶).

نجاشـی سـه گونـه نظـر داده انـد: برخـی سـکوت نمـوده و ظاهـراً تسـلیم ایـن روایـت شـده‌اند و لـذا روایـات یادشـده را غیرمعتبـر دانسـته انـد؛ برخـی سـخن کشـی و نجاشـی را نقادانـه رد کرده‌انـد؛ و بالاخـره مرحـوم میردامـاد راهـی میانـه در پیـش گرفتـه و روایـت کشـی را قبـول کـرده امـا سـعی کـرده اسـت مشـکل ارسـال در ایـن روایـات را حـل کنـد تـا ایـن روایـات را از حکـم ارسـال کـه ضعـف و بـی اعتبـاری باشـد نجـات دهـد. در ادامـه ایـن سـه رویکـرد را مطالعـه و ارزیابـی می‌کنیـم:

۶-۱. دیدگاه موافقان ارسال روایات حَریز و عدم حجیت آنها

برخـی فقیهـان بـزرگ و بسـیاری از رجالیـان نظریـهٔ ارسـال ایـن روایـات را بـاور دارنـد. محقـق بهبهانـی از افـرادی اسـت کـه در مباحـث فقهـی خـود در ایـن مسـئله متامـل شـده و بـه نظـر کشـی و نجاشـی اعتنـا کـرده اسـت (بهبهانـی، ۱۴۱۹ق، الحاشـیة علـی مـدارك الأحـکام، ۱: ۴۶؛ بهبهانـی، ۱۴۲۴ق، ۵: ۲۷۶). گرچـه ایشـان در تعلیقـهٔ رجالـی خـود کـه در مباحـث بعـد بیـان خواهـد شـد، ارسـال روایـات حریـز را رد کـرده اسـت. صاحـب جواهـر نیـز گاهـی پـس از نقـل سـخن کشـی و نجاشـی دربـارهٔ روایـات بـی واسـطهٔ حریـز از امـام صـادق (ع)، سـکوتی خـاص پیشـه کـرده کـه حاکـی از پذیـرش سـخن کشـی و نجاشـی اسـت (نجفـی، ۱۴۰۴ق، ۱۹: ۴۵) و گاهـی هـم بـه شـکل ضمنـی ایـن اشـکال را قبـول کـرده اسـت؛ زیـرا ضمـن اسـتناد بـه سـخن کشـی و نجاشـی دربـارهٔ روایـات بـی واسـطهٔ حریـز از امـام صـادق (ع) سـعی نمـوده اسـت ضعـف سـند آن هـا را جبـران کنـد (نجفـی، ۱۴۰۴ق، ۲۴: ۱۸۳).

در بیـن رجالیـان، افـراد متعـددی نظـر کشـی را نقـل و دربـارهٔ آن سـکوت نمـوده و ظاهـراً آن را تلقـی بـه قبـول کرده‌انـد (نـک: ابـن داوود، ۱۳۸۳ش، ۴۳۸؛ علامـهٔ حلـی، ۱۳۸۱ش، ۶۳؛ نراقـی، ۱۴۲۲ق، ۱۷۳؛ تفرشـی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۴۱۰). مرحـوم اردبیلـی نیـز در ایـن مسـئله نقـدی بـر رای کشـی و نجاشـی وارد نکـرده و بلکـه بـه پذیـرش گـزارش ایشـان مایـل شـده اسـت (اردبیلـی، ۱۴۰۳ق، جامـع الـرواة، ۱: ۱۸۷). مرحـوم میردامـاد نیـز در تعلیقـهٔ شـریف خـود بـر اصـول کافـی، سـخن کشـی را نقـل کـرده امـا نقـدی بـر آن وارد ننمـوده اسـت (میردامـاد، ۱۴۰۳ق، ۳۶۸). گرچـه در «الرواشـح السـماویّة» از حجیـت روایـات بـی واسـطهٔ حریـز بـه عنـوان مرسـلات معتبـر دفـاع کـرده اسـت کـه

در مباحث بعد دفاعیّهٔ ایشان ارائه و نقد خواهد شد؛ اما در هر دو صورت ایشان گزارش کشی را قبول کرده است.

مرحوم شوشتری نیز در همین گروه یعنی رجالیان موافق با ارسال می گنجد با این تفاوت که ایشان بیش از ده روایت از روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) را جمع آوری کرده تا به زعم خود سند همهٔ روایات بی واسطهٔ وی را مطالعه کند؛ سپس در ادامه برای توجیه گزارش کشی و نجاشی، تردید کرده است حریز این تعداد را همگی از امام صادق (ع) شنیده باشد و با توجیهاتی احتمال داده است حریز تنها دو سه روایت از این موارد که تقریباً همان ادعای یونس است را بی واسطه از امام صادق (ع) شنیده باشد (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ۳: ۱۶۷ -۱۶۴). ایشان گویا به جهت چاپ نشدن معجم رجال الحدیث در زمان تحقیق کتاب قاموس الرجال، تحقیقات مرحوم خویی که صدها روایت بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) را جمع آوری کرده، ندیده است که به این موارد محدود نموده؛ اما جای شگفتی دارد که چرا «جامع الرواة» را ملاحظه نفرموده است که در آنجا هم تعداد بسیار زیادی از روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) را معرفی و ارجاع داده است.

آقای محمدکاظم رحمتی از محققان معاصر نیز در مقاله ای دربارهٔ احوال حریز که در دانشنامهٔ جهان اسلام منتشر شده است، ایشان پس از نقل گزارش کشی و نجاشی نوشته است: «این مطلب با توجه به اقامت حریز در کوفه و اقامت امام صادق (ع) در مدینه، پذیرفتنی است» (رحمتی، ۱۳۹۳).

نقد و بررسی

این اندیشه درست نیست؛ زیرا این اندیشه سخن کشی و نجاشی در اینکه حریز جز دو روایت بی واسطه از امام صادق (ع) نشنیده است را تایید می کند و می پذیرد در صورتی که در مبحث «نظریهٔ مختار در نقد گزارش کشی و نجاشی» قرائن یقین زایی ارائه خواهد شد که به صراحت نشان می دهد بسیاری از روایات حریز که برچسب مرسل خورده اند مرسل نیستند و در نتیجه اثبات می شود گزارش کشی و نجاشی از یونس، مسند بودن تنها دو روایت بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) معتبر نیست.

استدلال آقای رحمتی نیز صحیح نیست؛ زیرا درست است شهادت تاریخ بر عدم معاصرت راوی و مروی عنه و یا عدم دیدار یکدیگر با وجود هم عصری، از شواهد ارسال روایت این راوی از آن شخص است (شهید ثانی، ۱۴۳۲ق، ۱: ۱۹۸)، اما اشکال سخن ایشان در این است که اگر حریز با امام صادق (ع) آمد و شد نداشته است، پس «راه ندادن حریز به دیدار خود توسط امام صادق (ع)» که به جریان «حجب» معروف است (کشی، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۸۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۵) چه معنایی دارد؟! به علاوه در مبحث «نظریهٔ مختار در نقد گزارش کشی و نجاشی» اثبات خواهد شد که حریز دست کم هجده روایت را بی واسطه از امام صادق (ع) شنیده است و این خود دلالت بر دیدارهای متعدد ایشان با امام دارد.

۶-۲. اندیشهٔ مخالفان ارسال و عدم حجیت

مرحوم مجلسی اول، محدث نوری، محقق خویی، و.... از قائلان به رویکرد هستند. ایشان معتقدند چگونه ممکن است این همه روایت در کتب اربعه توسط حریز از امام صادق (ع) نقل شده باشد اما همگی نیز مرسل باشند؟! (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۱۷۳؛ محدث نوری، ۱۴۱۷ق، ۴: ۴۳۰؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۳۵۰؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۴۹؛ بهبهانی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۴۴؛ مامقانی، ۱۴۲۷ق، ۱۸: ۲۱۸ - ۲۱۷؛ خویی، ۱۳۷۳ش، ۵: ۲۳۲؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ۲: ۳۲۷ و ۳۲۶؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۱۱۹) برخی محققان معاصر نیز همین استدلال را از مرحوم خویی نقل کرده و پذیرفته است (نک به: بیات مختاری، ۱۳۹۰ش، ۷۳ - ۷۱).

نقد و بررسی

استبعاد مرحوم مجلسی و محقق خویی و اتباع ایشان به صرف بسامد بالای نقل روایت بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) نمی‌تواند پاسخ نهایی به پرسش این تحقیق باشد؛ زیرا همانطور که در پایان مقدمه گفته شد، این فراوانی تنها در حد یک حدس خام که «فرضیه» باشد پاسخ ساز است و دلالت این کثرت بر فرضیهٔ مذکور نیز به سه دلیل، منطقی و روشمند نیست:

أ. عموم فقیهان جز کسانی اندک که قائل به لزوم اجتهاد در علم رجال هستند[1]، سخنان کشی و نجاشی را مبنای نقد سند روایات کتب اربعه قرار می‌دهند نه اینکه وضعیت اسناد کتب اربعه را معیار اعتبارسنجی گزارش‌های کشی و نجاشی بدانند؛ لذا کثرت روایات بی واسطهٔ ایشان فی نفسه دلیل محکمی نیست. به همین جهت رجالی محقق و نقادی چون مرحوم اردبیلی که خود فراوانی روایات حریز از امام صادق (ع) را به جهت بررسی طبقهٔ ایشان استقصا کرده است، گرچه سخن کشی و نجاشی را با این فراوانی در تنافی می بیند اما در آخر نیز تصریح می کند نمی‌توان از سخن کشی و نجاشی دست برداشت (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، جامع الرواة، ۱: ۱۸۷).

ب. تعبیر «روی فلان عن فلان» با تعبیر «فلان عن فلان» فرق دارد و دومی ظاهر در نقل بی واسطه است اما در اولی ممکن است واسطه وجود داشته باشد و لذا شیخ طوسی در تهذیب در باب احکام جماعت نوشته است «روی احمد بن محمد بن عیسی عن عبدالله بن المغیرة» با اینکه کشی و نجاشی گفته اند احمد بن محمد بن عیسی هیچ روایتی از عبدالله بن مغیرة ندارد (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ۱: ۱۴)؛ و طبق استقرای انجام شده در این تحقیق در وسائل الشیعه، حدود یکصد روایت از روایات بي واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) از نوع دوم است یعنی: عن حریز عن ابی عبدالله (ع).

ج. این دلیل را مرحوم علامهٔ شعرانی در پاورقی «جامع الرواة» نوشته است که با شرح و تبیین بیشتر ارائه می شود: صرف نقل روایت بدون واسطه از امام صادق (ع)، ظاهر در این است که واسطه ای در میان نیست؛ [خصوصاً با توجه به وثاقت حریز و نیز دروغ بودن حذف واسطه که در مباحث قبل به آن اشاره شد]؛ اما گزارش کشی و نجاشی از یونس، صریح در مدعا است (شعرانی،

1. بیشتر فقیهان در مباحث اجتهاد و تقلید از علم اصول یا در مباحث مرتبط در فقه، معتقدند مراجعه به کتب رجال برای تشخیص احوال راویان کافی است (نک به: علامهٔ حلی، ۱۴۲۵ق، ۵: ۱۷۰؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴۳؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۴: ۴۷۸؛ خمینی، ۱۴۲۶ق، ۱۲) اما برخی چون مرحوم آیت الله بروجردی معتقد بوده‌اند که انسداد در علم رجال وجود ندارد و باید از طبقهٔ راوی و احوال شاگرد و استاد و مضامین روایات نقل شده توسط وی جستجو کرد تا احوال او و نیز میزان دقت و ضبط او را کشف نمود (بحرانی، ۱۴۲۹ق، ۱۷۹ و ۸۷). صاحب معالم نیز معتقد به لزوم فحص فقیه از قرائن حالیه و مقالیهٔ جهت تبیین عدالت راویان است (حسن بن زین الدین، ۱۳۶۲ش، ۱: ۲۱).

۱۴۰۳ق، ۱: ۱۸۷)[۱]. در نتیجه سخن یونس مقدم شود؛ زیرا تقدم نص بر ظاهر از قواعد عرفی محاوره است که علم اصول به آن تصریح شده است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۲: ۷۸۸؛ خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۴۳۸؛ خمینی، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۶۵).

۶-۳. دیدگاه میرداماد درباره ارسال و حجیت روایات حَریز

مرحوم میرداماد، از طرفی ارسال روایات ایشان را پذیرفته است و از طرفی سعی کرده است از اصل اولی عدم حجیت در روایات مرسل عبور کند و حجیت روایات مرسل انگاشتهٔ حریز را تصحیح کند. ایشان یک راشحهٔ کامل از کتاب شریف «الرواشح السماویّة» را به تحلیل طبقه بندی اصحاب امام صادق (ع) در رجال شیخ طوسی اختصاص داده و اصحاب ایشان را سه دسته نموده است: گروهی را اصحاب روایت از طریق سند نامیده که بسا اصلاً امام را ندیده اند اما از اصحاب مورد وثوق وی نقل حدیث کرده‌اند و شیخ هم ایشان را از اصحاب امام دانسته است؛ و گروهی را اصحاب روایت از طریق سماع نامیده؛ و گروهی را اصحاب دیدار دانسته است که هیچ روایتی را از امام (ع) نقل نکرده‌اند. ایشان حریز را از قسم اول قرار داده و بدین سان روایات بی واسطهٔ او از امام صادق (ع) را غیرمرسل دانسته است (میرداماد، ۱۳۱۱ش، ۶۵ - ۶۴). این تلاش از قسم دوم از گونه‌های رفع مشکل ارسال روایات مرسل که در مقدمه گفته شد دسته بندی می شود؛ یعنی ارسال را در آنها قبول کرده و تلاش می کند اثبات کند ایشان از افراد موثق روایت کرده است.

نقد و بررسی

این راهکار مبتنی بر تقسیمی غیرمعهود از اصحاب امام صادق (ع) است و تقسیم یادشده که حریز را جزء اصحابی که امام را ندیده اند و با واسطهٔ اصحاب از او روایت کرده‌اند، دارای سه اشکال است:

أ. کاربست های رجالی این تقسیم است که دارای منطق قوی نیست؛ زیرا این رهیافت ظنی است و اگرچه ظنون متعارف رجالی حجت هستند اما این

۱. عبارت مرحوم علامهٔ شعرانی چنین است: روایهٔ حریز عن ابی عبدالله (ع) ظاهر فی عدم الواسطهٔ و مقتضی حمل الظاهر علی النص ان یونس ما کان یعتقد عدم الواسطهٔ.

ظن با ظنون قوی تر معارضه دارد. توضیح این ظن اقوی و وجه قوت آن نیازمند دو مقدمه است:

مقدمهٔ اول: طبق استقرای انجام شده در این تحقیق در وسائل الشیعهٔ، حدود یکصد و بیست روایت از روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) با تعابیری چون «عن ابی عبدالله (ع) و «قال ابوعبدالله (ع)» نقل شده است و این روش‌های نقل حدیث که طبق متفاهم عرفی - عقلائی[1] ظهور در تحمل بی واسطه دارند، با وجود واسطه ناسازگارند.

مقدمهٔ دوم: طبق استقصای محقق خویی، حریز ۴۹ روایت از روایات بی واسطهٔ خود از امام صادق (ع) را به واسطهٔ ابوبصیر و ۴۴۸ روایت را به واسطهٔ زراره و ۳۳۲ حدیث را به واسطهٔ محمد بن مسلم و ۹۳ حدیث را به واسطهٔ فضیل نقل کرده است؛ یعنی ایشان مجموعاً ۹۲۲ روایت از کل روایات خود که ۱۳۲۰ روایت بودند را با واسطهٔ این افراد از امام (ع) نقل کرده است. از طرف دیگر، می دانیم که این افراد همگی از بزرگان و سرشناسان شیعه هستند.

این مقدمه یعنی مقدمهٔ دوم، ظهور یادشده در مقدمهٔ اول مبنی بر عدم ارسال روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) را تقویت می کند؛ زیرا اگر طبق ادعای مرحوم میرداماد، حریز بنا داشته است به جهت اعتماد خود به اصحاب مورد وثوق، نام آن ها را حذف کند و خود آن حدیث را مستقیماً به امام نسبت دهد، چرا در مورد این بزرگان چنین نکرده و در این حد گسترده - که نقل با وساطت اینان حدود هفتاد درصد از کل روایات او را دربرگرفته - مقید بوده است نام آن ها را ذکر کند ؟! به نظر می‌رسد این وضعیت را تنها می‌توان با اصرار حریز بر نقل دقیق سند و تبعیت از دستور خود امام صادق (ع) بلکه امام علی (ع) در انتساب دقیق سخن به گویندهٔ آن که در بحث «پیامدهای گزارش کشی و نجاشی» بیان شد، ارزیابی کرد.

---

۱. اهل درایةالحدیث نیز به ظهور این صیغه‌های نقل حدیث در سماع بی‌واسطه تصریح کرده‌اند (نک به: حسین بن عبدالصمد، ۱۴۳۲ق، ۱: ۴۱۴؛ مامقانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۲۷۴ و ۲۸۱؛ شوشتری، ۱۴۳۱ق، ۱: ۱۴). تنها در یک صورت باید از این ظهور متعارف و متبادر دست برداشت و آن این است که اثبات شود ملاقات راوی و مرویعنه تحقق نیافته است (سیفی مازندرانی، ۱۴۳۱ق، ۸۰) که در نقد ادعای آقای رحمتی در بحث «نقد اندیشهٔ موافقان ارسال و عدم حجیت» اثبات شد این ملاقات قطعاً رخ داده و ظاهراً نه یکبار بلکه بارها اتفاق افتاده است.

ب. همانطـور کـه در نقـد ادعـای آقـای رحمتـی در بحـث «نقـد اندیشـهٔ موافقـان ارسـال و عـدم حجیـت» نیـز گفتـه شـد، حریـز قطعـاً امـام صـادق (ع) را کـراراً ملاقـات کـرده اسـت.

ج. در مبحـث «نظریـهٔ مختـار در نقـد گـزارش کشـی و نجاشـی» اثبـات خواهـد شـد حریـز روایـات بـی واسـطهٔ متعـددی را از امـام (ع) نقـل کـرده اسـت.

۷. نظریهٔ مختار در نقد گزارش کشی و نجاشی

نقـد و بررسـی سـخن کشـی (کـه نظـر نجاشـی نیـز ریشـه در همـان دارد) دارای سـه محـور اسـت: نقـد سـندی روایـت کشـی؛ نقـد مضمونـی روایـت کشـی از طریـق تحلیـل اسـتقرائی گونه‌هـای تحمـل حدیـث بـی واسـطه از امـام صـادق (ع) توسـط حریـز کـه بـه منظـور اثبـات وجـود مـوارد نقـل بـی واسـطهٔ حریـز بیـش از دو مـورد مـورد ادعـای یونـس انجـام مـی شـود؛ بازگشـت بـه روایـت کشـی و توجیـه آن بـا وجـود اعتقـاد بـه عـدم ارسـال روایـات یادشـده.

در ادامه به این سه مبحث خواهیم پرداخت:

۷-۱. نقد سندی روایت کشی

وضعیت افراد موجود در این سند به شرح زیر بررسی می شود:

أ. محمـد بـن مسـعود: ایشـان، أبـي النضـر محمّـد بـن مسـعود بـن عیّـاش السـلمي السـمرقندي معـروف بـه عیاشـي اسـت کـه موثـق و صـدوق و از بـزرگان شـیعه اسـت (نجاشـی، ۱۳۶۵ش، ۳۵۰).

ب. محمـد بـن نصیـر: وی از اهالـی کـش و ثقـه و جلیـل القـدر اسـت کـه اسـتاد کشـی نیـز بـوده اسـت (شـیخ طوسـی، ۱۳۷۳ش، ۴۴۰).

ج. محمـد بـن عیسـی: ایشـان از نظـر نجاشـی از افـراد موثـق و بسـیار بزرگـوار و دارای روایـات و تصانیـف فـراوان اسـت (نجاشـی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۳). و فرمایـش شـیخ طوسـی کـه او را بـه علـت روایـت کـردن از غالیـان ضعیـف دانسـته (طوسـی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۲) مـورد اعتنا نیسـت؛ زیـرا اغلـب دانشـیان رجـال و فقـه، بـه جهـت تخصـص بیشـتر نجاشـی معتقدنـد در تعـارض قـول شـیخ و نجاشـی، نظـر نجاشـی مقـدم اسـت (شـهید ثانـی، ۱۴۱۳ق، ۷: ۴۶۷؛

عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۱۱۰؛ ۶: ۳۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۳۳۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۳۱۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۶: ۱۲۱؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ۸: ۷۱؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۵ق، ۲: ۴۶؛ نوری، ۱۴۱۷ق، ۳: ۱۴۹-۱۴۸؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۲: ۵۱۳؛ خویی، ۱۳۷۳ش، ۹: ۶۴). بلکه برخی معتقدند نظر نجاشی بر همهٔ اهل رجال مقدم است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۷: ۴۶۷؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ۷۰۲؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، الرسائل الفقهیه، ۱۹۰؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۱۳: ۲۶۵). و در مورد اتهام غلو نیز همانطور که بسیاری از محققان علم رجال معتقدند، این اتهام ها ناشی از اعتقادات شخصی برچسب زنان است و چندان قابل اعتنا نیستند (نک به: مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۲۷۸؛ نوری، ۱۴۱۷ق، ۵: ۳۲۰؛ بهبهانی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۷۷؛ مامقانی، ۱۴۲۷ق، ۱: ۳۰۵-۳۰۰؛ شوشتری، ۱۴۳۱ق، ۱: ۶۷-۶۶). برخی تبیین های دیگر نیز در دفاع از وثاقت ایشان وجود دارد (نک به: خویی، ۱۳۷۳ش، ۱۸: ۱۲۲ - ۱۲۱).

د. یونس: نجاشی ستایش فراوانی در مورد ایشان نوشته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۴۷ - ۴۴۶) و شیخ طوسی نیز او را موثق دانسته است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۴۶).

طبق تحلیل مفردات رجال سند، این طریق به ظاهر دارای اشکال نیست؛ اما یکی از بخش‌های ترکیبی سند یعنی «نقل کردن محمد بن عیسی از یونس» که روایت مورد بحث ما نیز از همین دست است، دارای یک خدشهٔ صریح است و آن اینکه طبق گزارش شیخ طوسی، صدوق از استادش ابن الولید نقل کرده است که متفردات یونس حجت نیست. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۲) نجاشی که کتاب خود را بعد از فهرست شیخ و ناظر به آن تالیف کرده و بسا در صدد تصحیح و تکمیل آن بوده است (سبحانی، ۱۳۹۴ش، ۶۵)، سخن ابن الولید را به شکلی دقیق تر گزارش کرده است: متفردات محمد بن عیسی از کتب یونس حجت نیست (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۳). این خدشه دقیقاً بر روایت محل بحث وارد است؛ زیرا قطعه ای از سند روایت کشی نیز نقل محمد بن عیسی از یونس است.

۷-۲. نقد مضمونی روایت کشی (تحلیل استقرائی روش تحمل حَریز)

مقصود از نقد مضمونی، جستجو برای یافتن مواردی بیش از دو مورد مورد ادعای یونس است که ثابت شود حریز بی واسطه از امام صادق (ع) روایت کرده است.

این تحقیق به استقراء و تجمیع روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) پرداخته و سپس متن تک تک آن ها را با هدف کشف روش حریز در تحمل حدیث بی واسطه از امام صادق (ع) تحلیل کرده است. نتیجه این است که در تعداد قابل توجهی از این روایات، تعبیرهایی وجود دارد که ساختار روایت را غیر قابل ارسال می کند. توضیح این که حریز این تعداد روایت را به گونه‌هایی مانند: «کنت عند ابی عبدالله (ع)»، «کنا عند ابی عبدالله (ع)»، «قلت لابی عبدالله (ع)»، «سالت ابی عبدالله (ع)» و: «سمعت أبا عبدِاللَّهِ (ع)» نقل کرده که به وضوح دلالت دارند روش حریز در تحمل این روایات، «سماع» از امام (ع) است؛ زیرا حریز شخصاً آن روایات را از امام (ع) پرسیده یا شنیده است یا در زمان فرمایش آن حدیث، نزد امام (ع) حضور داشته است. از طرف دیگر اگر راوی از این تعبیرها در نقل حدیث استفاده کند اما خود آن‌ها را از امام نشنیده باشد، بدون هیچ شکی تدلیس کرده است (حسین بن عبدالصمد، ۱۴۳۲ق، ۱: ۴۱۴).

روایات یادشده به شرح ذیل هستند:

أ. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللَّهِ (ع) الْجُنُبُ .... (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۲۰).

ب. عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَقَلَّ بَقَاءَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَقْرَبَ آجَالَكُمْ بَعْضَهَا ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۸ ـ ۸۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۸۳).

ج. عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (ع) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فِي هَذَا الزَّبِيبِ قَوْلًا عَنْكُمْ ... (ابنابسطام، ۱۴۱۱ق، ۱۳۷).

د. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللَّهِ (ع) فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ إِنَّ .... (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۴۶۵).

ه. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللَّهِ (ع) عن التهيأ للاحرام..... (همان، ۱۲: ۳۲۲).

و. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللَّهِ (ع) عَنْ مُحْرِمٍ أَصَابَ صَيْداً .... (همان، ۱۲: ۴۲۱).

ز. عَـنْ بَعْـضِ أَصْحَابِنَـا عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) عَـنِ الْمُحْـرِمِ يَشَـمُّ الرَّيْحَـانَ .... (همـان، ۴۵۴).

ح. عَـنْ حَمَّـادِ بْـنِ عِيسَـى عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) عَـنْ مُحْـرِمٍ غَطَّـى رَأْسَـهُ نَاسِـياً قَـالَ .... (همـان، ۵۰۵).

ط. عَـنْ حَمَّـادِ بْـنِ عِيسَـى عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) عَـنِ الطَّـوَافِ لِغَيْـرِ أَهْـلِ مَكَّـةَ ... (همـان، ۱۳: ۳۱۱).

ی. عَـنْ حَمَّـادٍ عَـنْ حَرِيـزٍ عَـنْ أَبِـي عَبْدِاللَّـهِ (ع) قَـالَ: سَـأَلْتُهُ عَـنِ الرَّجُـلِ يُطَـافُ ... (همـان، ۳۸۹).

ک. عَـنْ حَمَّـادِ بْـنِ عِيسَـى عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) عَـنْ رَجُـلٍ مُفْـرِدٍ ... (همـان، ۱۴: ۳۷).

ل. عَـنِ ابْـنِ مَحْبُـوبٍ عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ سَـمِعْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) يَقُـولُ اتَّقُـوا اللَّـهَ وَ ... (همـان، ۱۷: ۱۷۸).

م. عَـنْ الْفَضْـلُ بْـنُ الْحَسَـنِ الطَّبْرِسِـيُّ فِـي مَجْمَـعِ الْبَيَـانِ عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) عَـنْ طَـلَاقِ السُّـنَّةِ فَقَـالَ ... (همـان، ۲۲: ۲۵).

ن. عَـنْ يُونُـسَ عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) عَـنِ الْمُحْصَـنِ فَقَـالَ .... (همـان، ۲۸: ۶۹).

س. عَـنْ أَبِـي أَيُّـوبَ عَـنْ حَرِيـزٍ عَـنْ أَبِـي عَبْدِاللَّـهِ (ع) قَـالَ: سَـأَلْتُهُ عَـنْ رَجُـلٍ قَتَـلَ رَجُـلًا عَمْـداً ... (همـان، ۲۹: ۴۹).

ع. عَـنْ يُونُـسَ عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ سَـمِعْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) يَقُـولُ لَـنْ تَذْهَـبَ الدُّنْيَـا حَتَّـى.... (صفـار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۹).

ف. عَـنْ حَمَّـادٍ عَـنْ حَرِيـزٍ قَـالَ سَـأَلْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) عَـنْ قَـوْلِ اللَّـهِ عَزَّوَجَـلَّ: يَـا نِسَـاءَ النَّبِـيِّ ... (قمـی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۹۳).

ص. عـن علـي بـن داود الحـداد، عَـنْ حَرِيـزِ بْـنِ عَبْـدِ اللَّـهِ، قَـالَ كُنْـتُ عِنْـدَ أَبِـي عَبْدِاللَّـهِ (ع) فَدَخَـلَ عَلَيْـهِ حُمْـرَانُ بْـنُ أَعْيَـنَ وَ جُوَيْرِيَـةُ بْـنُ أَسْـمَاءَ، فَلَمَّـا خَرَجَـا قَـالَ ... (کشـی، ۱۳۶۳ش، ۱، ۴۱۵).

بنابرایـن یافتـه هـای اسـتقرائی، گـزارش کشـی کـه در تقابـل بـا ظاهـر روایـات بـی واسـطهٔ حریـز از امـام صـادق (ع) بـود و بـه جهـت نـص بـودن بـر ظاهـر اغلـب

روایـات بـی واسـطهٔ حریـز از امـام صـادق (ع) مقـدم می‌شـد، از نظـر اصـل اعتبـار زیـر سـوال مـی رود و در نتیجـه هـر نـوع نقـل بـی واسـطهٔ حریـز از امـام چـه بـه صـورت «قـال ابوعبداللـه (ع)» و یـا بـه صـورت «عـن ابـی عبداللـه (ع)» کـه ظهـور در فقـدان واسـطه دارد، بـی معـارض شـده و لـذا معتبـر خواهـد بـود.

۷-۳. توجیه روایت کشی از یونس

در ایـن بخـش بـا روش اسـتقرائی بـه بررسـی روایـات یونـس از حریـز مـی پردازیـم و بدون دسـت کشـیدن از انتقـاد وارد شـده بـر کشـی و نجاشـی در بحـث قبـل، توضیحـی دربـارهٔ سـخن یونـس کـه کشـی و بـه تبـع او نجاشـی از یونـس نقـل کردنـد ارائـه می‌کنیـم.

همانطـور کـه کشـی در ذیـل احـوال حریـز گفتـه اسـت: کان یونـس یذکـر عنـه فقهـا کثیـراً؛ یونـس آمـوزه هـای فقهـی زیـادی را از حریـز روایـت کـرده اسـت (کشـی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۶۲۷). منتهـی در بیـن روایـات یونـس از حریـز، ایشـان تنهـا سـه روایـت[1] زیـر را بـه شـکل بـی واسـطه بیـن حریـز و امـام صـادق (ع) از حریـز نقـل کـرده اسـت:

أ. عَـنْ یُونُـسَ عَـنْ حَرِیـزٍ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) عَـنِ الْمُحْصَـنِ قَـالَ فَقَـالَ: الَّـذِي يَزْنِـي وَ عِنْـدَهُ مَـا يُغْنِيـهِ (حـر عاملـی، ۱۴۰۹ق، ۲۸: ۶۹).

ب. عَـنْ یُونُـسَ عَـنْ حَرِیـزٍ قَـالَ سَـمِعْتُ أَبَـا عَبْدِاللَّـهِ (ع) یَقُـولُ: لَـنْ تَذْهَـبَ الدُّنْیَـا حَتَّـی یَخْـرُجَ رَجُـلٌ مِنَّـا أَهْـلَ الْبَیْـتِ یَحْکُـمُ بِحُکْـمِ دَاوُدَ وَ لَا یَسْـأَلُ النَّـاسَ بَیِّنَـةً (صفـار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۹).

ج. عَـنْ یُونُـسَ عَـنِ ابْـنِ مُسْـکَانَ عَـنْ حَرِیـزٍ عَـنْ أَبِـي عَبْدِاللَّـهِ (ع) قَـالَ: التَّقِیَّـةُ تُـرْسُ اللَّـهِ بَیْنَـهُ وَ بَیْـنَ خَلْقِـهِ (حـر عاملـی، ۱۴۰۹ق، ۱۶: ۲۰۷).

وضعیـت مذکـور ایـن حـدس را تقویـت مـی کنـد کـه یونـس تنهـا دو یـا سـه[2] روایـت از حریـز شـنیده اسـت کـه حریـز آنهـا را بـی واسـطه از امـام صـادق (ع) نقـل کـرده اسـت امـا روشـن اسـت کـه اسـتنتاج یونـس از ایـن تعـداد روایـت کـه: «پـس

۱. پـس از انجـام ایـن اسـتقرا و در اواخـر تحقیـق، متوجـه شـدم مرحـوم اردبیلـی نیـز بـه ایـن نکته متفطن شـده اسـت کـه یونـس خـود سـه روایـت را از حریـز نقل کرده اسـت کـه حریـز آنهـا را بی‌واسطه از امام صـادق (ع) روایـت کـرده اسـت؛ امـا ایشـان ایـن مطلـب را دلیل بر نادرسـتی سـخن یونس انگاشـته و تاویلی که ایـن مقاله ارائـه کـرده اسـت در کلام ایشـان موجـود نیسـت (رک: اردبیلـی، ۱۴۰۳ق، جامع الـرواة، ۱: ۱۸۶).

۲. ممکـن اسـت سـه روایـت بـا تعبیر روایت کشـی (یـک یا دو روایـت) تنافی نداشـته باشـد؛ زیرا تعبیـر وی نیز کلی و مبهم اسـت.

حریــز بیــش از ایــن تعــداد، روایــت بــی واســطۀ دیگــری از امــام صــادق (ع) نشــنیده اســت» درســت نیســت.

۸. نتیجه گیری

رجالیــان و فقیهــان در مواجهــه بــا گــزارش کشــی و نجاشــی از یونــس در ارســال روایــات بــی واســطۀ حریــز از امــام صــادق (ع) ســه دســته شــده‌اند:

۱. برخــی ایــن گــزارش را قبــول کــرده و ایــن روایــات را مرســل و در نتیجــه نامعتبــر انگاشــته انــد.

۲. برخــی بــا اســتناد بــه کثــرت وجــود ایــن روایــات کــه «ظهــور» در عــدم ارســال و فقــدان واســطه دارنــد، گــزارش مذکــور را رد کرده‌انــد.

۳. مرحوم میرداماد ارسال را قبول کرده اما اعتبار روایات را توجیه کرده‌اند.

نظریــۀ مختــار در ایــن پژوهــه، همــان عــدم ارســال اســت امــا نــه بــه دلیــل بســامد بــالای روایــات یادشــده کــه دارای اشــکال منطقــی اســت؛ بلکــه بــه دو دلیــل:

الــف. قطعــه ای از ســند گــزارش کشــی یعنــی «نقــل محمــد بــن عیســی از کتــب یونــس» مخــدوش اســت.

ب. طبــق اســتقرای ایــن مقالــه در روش نقــل حدیــث حریــز در روایــات بــی واســطه از امــام صــادق (ع) در جوامــع روایــی خصوصــاً وســائل الشــیعة، اثبــات شــده اســت حریــز دســت کــم هجــده روایــت را شــخصاً از امــام (ع) متحمــل شــده اســت. بدیــن ســان حصــر موجــود در روایــت کشــی و نجاشــی بــی اعتبــار مــی شــود.

بــا توجــه بــه رد گــزارش کشــی و نجاشــی از یونــس در «نشــنیدن حریــز از امــام صــادق (ع) جــز یکــی دو روایــت»، فرضیــۀ تحقیــق یعنــی عــدم ارســال روایــات بــی واســطۀ حریــز از امــام صــادق (ع) تاییــد مــی شــود. در نتیجــه پاســخ نهایــی بــه ســوال تحقیــق نیــز ایــن اســت کــه: گــزارش کشــی و نجاشــی از یونــس کــه «حریــز جــز یــک یــا دو روایــت از امــام صــادق (ع) نشــنیده اســت»، درســت نیســت و از ایــن رو روایــات بــی واســطۀ حریــز از امــام صــادق (ع) بــر ظهــور خــود در مســند بــودن باقــی مانــده و در نتیجــه مرســل نخواهنــد بــود. البتــه ایــن تحقیــق در نهایــت بــا تبیینــی خــاص احتمــال داده اســت گــزارش یونــس نیــز بــه یــک معنــا درســت باشــد بــدون اینکــه لازمــۀ آن

یعنـی ارسـال همـهٔ روایـات بـی واسـطهٔ حریـز معتبـر باشـد.

منابع

ابنا بسطام، عبد الله و حسين، طبّ الأئمة عليهم السلام، قم، دار الشريف الرضي، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
ابن بلخی، فارسنامه ابن بلخی، شیراز، بنیاد فارس شناسي، ۱۳۷۴ش.
ابن داوود، حسن بن علی بن داود، رجال ابن داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزيارات، نجف اشرف، دار المرتضوية، ۱۳۵۶ش.
ابـن الصـلاح، عثمـان بـن عبـد الرحمـن، معرفـة أنـواع علـوم الحديـث (المعـروف بمقدمـة ابـن الصـلاح)، تحقيـق: نـور الديـن عتـر، بيـروت، دار الفكـر، ۱۴۰۶ق.
ابن سينا، الشفاء(المنطق)، قم، مكتبة آيةالله المرعشی، ۱۴۰۴ق.
اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال، قم، موسسهٔ آل البیت (ع)، ۱۴۲۲ق.
انصاری، مرتضی، فرائد الأُصول، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
بحرالعلوم، سید مهدی، الفوائدالرجالية، تهران، مكتبة الصادق، ۱۴۰۵ق.
بحرانی، محمد سند، بحوث في مباني علم الرجال، در يك جلد، قم، مكتبة فدك، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة، قم، موسسهٔ انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
بهبهانی، محمد باقر، منهج المقال (با تعلیقات بهبهانی)، قم، موسسهٔ آل البیت (ع)، ۱۴۲۲ق.
ــــــــ، الحاشية على مدارك الأحكام، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
ــــــــ، الرسائل الفقهية، قم، مؤسسه علامه وحید بهبهانی، ۱۴۱۹ق.
ــــــــ، حاشية مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني، ۱۴۱۷ق.
ــــــــ، مصابيح الظلام، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني، ۱۴۲۴ق.
بیـات مختـاری، مهـدی، تضـارب آرای شـیخ طوسـی و نجاشـی دربـارهٔ حریـز بـن عبداللـه سجسـتانی، فصلنامـهٔ علمـی - پژوهشـی «علـوم قـرآن و حدیـث»، ش ۸۷، پاییـز و زمسـتان ۱۳۹۰، صـص ۸۱ - ۶۵.
تستری، محمد تقی، النجعة في شرح اللمعة، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۴۰۶ق.
تفرشی، سید مصطفی، نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۱۸ق.
حافظنیا، محمدرضا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۶ش.
حر عاملی، محمد بن حسن، الفوائد الطوسية، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۳ق.
ــــــــ، وسائل الشيعة، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
حسين بن عبدالصمد، وصول الاخيار (المطبوع ضمن رسائل فی دراية الحديث)، قم، دارالحديث، ۱۴۳۲ق.
حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، نجف اشرف، مطبعة الحيدريّة، چاپ دوم، ۱۳۸۱ق.
ــــــــ، نهاية الوصول، قم، ۱۴۲۵ق.
ــــــــ، إيضاح الاشتباه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق.
خراسانی، محمدکاظم، كفاية الأصول، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
خمینی، روح الله، تهذيب الأصول، تهران، موسسهٔ نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۳ق.
ــــــــ، الاجتهاد و التقليد، تهران، موسسهٔ نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۶ق.
خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، مركز نشر الثقافة، ۱۳۷۳ش.
دلاور، علی، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۲ش.
رحمتی، محمد کاظم، دانشنامهٔ جهان اسلام (مدخل: حریز بن عبد الله سجستانی)، ج ۱۳، ۱۳۹۳ش.

سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، موسسهٔ امام الصادق (ع)، چاپ ششم، ۱۳۹۴ش.
ــــــــ، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسهٔ امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ق.
سبزواری، محمد باقر، ذخیرة المعاد، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۲۷ق.
سخاوی، محمد بن عبد الرحمن، فتح المغیث بشرح الفیة الحدیث للعراقي، تحقیق: علي حسین علي، مصر، مکتبة السنة، ۱۴۲۴ق.
سنیکی، زکریا بن محمد، فتح الباقي بشرح ألفیة العراقي، تحقیق: عبد اللطیف همیم - ماهر الفحل، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
سیفی مازندرانی، علی اکبر، مقیاس الروایة، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۳۱ق.
شعرانی، ابوالحسن، تعلیقه بر جامع الرواة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، موسسه انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۳۱ق.
شهید اول، محمد بن مکی، ذکری الشیعة، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۱۹ق.
شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعایة فی شرح البدایة (المطبوع ضمن رسائل فی درایة الحدیث)، قم، دارالحدیث، ۱۴۳۲ق.
ــــــــ، روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲ق.
ــــــــ، مسالك الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
شیخ بهایی، محمد بن حسین، الحاشیة علی من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۲۴ق.
ــــــــ، الوجیزة في علم الدرایة، قم، بصیرتی، ۱۳۹۰ق.
صاحب معالم، شیخ حسن، منتقی الجمان، قم، موسسهٔ نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
صدر المتالهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الکافي، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، انتشارات کتابخانهٔ آیة الله مرعشي النجفي، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
صنعانی، محمد بن إسماعیل، توضیح الأفکار لمعاني تنقیح الأنظار، تحقیق: أبوعبدالرحمن صلاح بن محمد بن عویضة، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
طوسی، محمد بن حسن، العُدة في أصول الفقه، قم، ۱۴۱۷ق.
ــــــــ، الفهرست، قم، مکتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.
ــــــــ، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
عاملی، محمد بن حسن، استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۱۹ق.
عاملی، محمد بن علی، مدارك الأحکام، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۱۱ق.
فیض کاشانی، محمد محسن، الوافي، اصفهان، کتابخانه امام أمیر المؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، القوانین المحکمة في الأصول، قم، ۱۴۳۰ق.
قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمي، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
قمی، میرزا ابوالقاسم، قوانین الأصول، قم، احیاء الکتب الاسلامیة، ۱۴۳۰ق.
کشّی، محمد بن عمر، رجال الکشي (با تعلیقات میرداماد)، قم، موسسهٔ آل البیت (ع)، ۱۳۶۳ش.
کلیفورد ادموند، باسورث، تاریخ سیستان، تهران، سپهر، ۱۳۷۰ش.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۱۶ق.
مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، قم، موسسهٔ آل البیت (ع)، ۱۴۲۷ق.
مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة، قم، دلیل ما، ۱۳۹۳ش.

ـــــــــ، تنقيح المقال في علم الرجال، قم، موسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ١۴٣١ق.
مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، دوم، ١۴٠۶ق.
مفيد، محمد بن محمد، الإختصاص، قم، کنگرهٔ شيخ مفيد، ١۴١٣ق.
ميرداماد، محمدباقر، التعليقة على أصول الكافي، قم، الخيام، ١۴٠٣ق.
ـــــــــ، الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية، قم، دار الخلافة، ١٣١١ق.
نجاشي، احمد بن علی، رجال النجاشي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ ششم، ١٣۶۵ش.
نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام، بيروت، دارإحياء التراث العربي، چاپ هفتم، ١۴٠۴ق.
نراقی، ميرزا ابو القاسم، شعب المقال، قم، کنگرهٔ بزرگداشت نراقی رحمه الله، چاپ دوم، ١۴٢٢ق.
نمازی شاهرودی، علی، مستدركات علم رجال الحديث، قم، موسسه نشر اسلامی، ١۴٢۶ق.
نوری، محدث، ميرزا حسين، خاتمة المستدرك، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ١۴١٧ق.